

## بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی دانشگاهی

سیده فهیمه پارسائیان<sup>۱</sup>؛ سوسن قهرمانی قاجار<sup>۲</sup>  
سهیلا صلاحی مقدم<sup>۳</sup>؛ فاطمه جان احمدی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** ارائه الگوی تعلیمی مناسب، با تهیه، تدوین و ترجمه انگلیسی متون فاخر و غنی ادبی - اسلامی به ویژه ترجمه داستانهای مثنوی مولوی، منطق الطیر و الهی نامه عطار و شاهنامه فردوسی و استفاده از این قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی به عنوان جایگزینی برای محتوای کتاب‌های رایج وارداتی در کلاسهای عمومی زبان انگلیسی. **روش:** این پژوهش کیفی و معلم - پژوهنده، سه ترم تحصیلی به طول انجامید. شرکت کنندگان، شش گروه ۵۰-۳۰ نفره از دانشجویان دختر ۲۳-۱۸ ساله درس زبان عمومی دانشگاه الزهرا(س) بودند که در دو گروه مجزا در هر ترم در رشته‌های مختلف به تحصیل مبادرت داشتند. در مراحل مختلف چگونگی دریافت و پذیرش این دست متون توسط زبان‌آموزان، نحوه عملکرد و بازخوردهای آنان و تأثیرات آن بر شکل‌گیری زبان تولید شده توسط آنان از طریق روشهایی چون: ضبط مشارکت آنان در مباحث و گفتگوهای کلاسی و ارائه‌های آنان، جمع‌آوری نوشته و اسناد خلق شده و نظرسنجی از آنان، بررسی شد. **یافته‌ها:** زبان‌آموزان به دلیل احساس قرابت و نزدیکی بیشتر با خالقان این متون بومی، کمتر احساس غربت ذهنی و زبانی کرده، با اعتماد به نفس بیشتر به خلق زبانی آمیخته با معنویت، بینش و تفکر، دغدغه‌های زندگی حال و هنر و خلاقیت پرداختند. **نتیجه‌گیری:** مجموع نتایج نشان می‌دهد که برگردان انگلیسی متون ادبی فارسی در صورت ادغام با فعالیتهای کلاسی پویا، معنادار و تأمل برانگیز می‌تواند زمینه مناسبی را برای ارتقای زبانی و معرفتی زبان‌آموزان انگلیسی فراهم کند.

**واژگان کلیدی:** آموزش زبان انگلیسی، کتاب‌های رایج وارداتی، ادبیات کهن ایرانی - اسلامی، متون درسی.

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۲۰؛ تصویب نهایی: ۹۲/۱۱/۰۳.

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا(س) (نویسنده مسئول)/ آدرس: تهران، خیابان ده ونک، دانشگاه الزهرا (س) / Email: fahimehparisa@yahoo.com

۲. دکترای آموزش زبان دوم؛ دانشیار دانشگاه الزهرا(س).

۳. دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ استادیار دانشگاه الزهرا(س).

۴. دکترای تخصصی تاریخ، گرایش اسلام؛ دانشیار دانشگاه الزهرا(س).

## الف) مقدمه

گسترش روزافزون زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی، زبان عصر ارتباطات و زبان جهانی شدن، جایگاه کم‌نظیری برای این زبان در عرصه‌های مختلف فراهم آورده است. متناسب با این جایگاه، تقاضا برای یادگیری و گسترش زبان انگلیسی حتی در دورافتاده‌ترین مناطق جهان، شتابی بیش از پیش به خود گرفته است. با درک و بهره‌جویی از این نیاز، فعالان امر آموزش زبان همواره در تلاشند با تولید و عرضه روشهای آموزشی نوین و تهیه و توزیع محصولات و کتابهای تجاری درسی، فیلمها و کارتونهای آموزشی جذاب و وبسایتها و برنامه‌های رایانه‌ای پرمخاطب، گوی سبقت را از سایر رقبای علمی و تجاری خود برابند. آنچه زمینه را برای این رقابت مهیاتر می‌کند، نگرش کالایی و ابزاری به ذات زبان است که طی آن، زبان همچون کالایی با قابلیت خرید و فروش انگاشته می‌شود.

جان گری<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) طی مقاله‌ای به شرح این موضوع می‌پردازد که همگام با رشد نظام سرمایه‌داری نوین، آموزش زبان انگلیسی تبدیل به صنعتی سودآور برای کمپانی‌های انتشاراتی شده که با استفاده از فنون بازاریابی، محصولات آموزشی خود را به سایر کشورهای غیر انگلیسی زبان عرضه می‌کنند. در نگرش ابزاری، زبان به عنوان ابزار ارتباطی برای برآوردن نیازهای متقاضیان زبان تلقی می‌شود و آموزش و یادگیری آن به تقویت توانش زبانی فراگیران با تمرکز عمده بر آموزش گرامر و نکات دستوری، لغات و اصطلاحات، لهجه و تلفظ بهتر و شرکت در محاورات روزمره محدود می‌شود. به نظر می‌رسد این نگرش، با ذات متعالی زبان به عنوان ممیزه انسان و موهبتی الهی برای انتقال اندیشه، تفکر و خرد، در مغایرت است. به عنوان نمونه، فیلسوف معاصر ایرانی، ابراهیمی دینانی (۱۳۸۹) به این نکته اشاره دارد که ذات زبان، فراتر از اصول و قواعد صرفی و نحوی و مجموعه واژگان است؛ زیرا زبان دریچه‌ای را به سوی عوالم ذهن و اندیشه مخاطبان می‌گشاید.

سالیانی متمادی است که مدرسان زبان انگلیسی و بسیاری از فراگیران ایرانی، مصرف‌کننده تولیدات مؤلفان خارجی یا تولیدات کپی شده داخلی‌اند. همگام با روند رو به رشد تولید این محصولات در سالهای اخیر، بررسی و تجزیه و تحلیل محتوایی این گونه کتابهای تجاری و مواد کمک‌آموزشی، توجه خاص منتقدان و تولیدکنندگان داخلی را به خود جلب کرده است. هر چند تلاشهای کم اثری برای نظارت و ممیزی محتوای هنجارشکن یا غیر اخلاقی این مواد آموزشی به

وسیله حذف یا سانسور موضوعات و مضامین و تصاویر مغایر با مخاطبان اسلامی - ایرانی در نسخه‌های اصلی کتابها صورت گرفته، اما هنوز در سطح محتوا، مشکل اصلی تمایز فرهنگی باقی مانده است. خوشبختانه نقد و واکاوی محتوای کتابهای آموزشی زبان انگلیسی، از نظر القای ارزشهای فرهنگی و عادات اخلاقی و رفتارها و به طور کلی سبک زندگی غربی، توسط محققان داخلی مغفول نمانده و گوشزد شده است. ناسازگاری‌های فرهنگی و اجتماعی موجود بین محتوای این آثار با باورهای فرهنگی و اجتماعی کشورهای مصرف‌کننده حاشیه، سبب شده برخی منتقدان، این آثار را نمادی از امپریالیسم فرهنگی غرب و انتشاردهنده باورهای فرهنگ غربی به دیگر جوامع معرفی کنند. این ناهنجاری‌های فرهنگی که با برنامه‌ریزی هوشمندانه و در خلال برنامه‌های درسی نهفته و آشکار در محتوای کتابهای آموزشی زبان انگلیسی رخنه کرده‌اند، می‌توانند لطمات فرهنگی را بر پیکره جامعه ایرانی با بافت مذهبی دیرینه آن وارد کنند.

به عنوان نمونه، صادقی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مصادیق تهاجم فرهنگی در آموزش زبان انگلیسی»، پژوهشی را بر روی کتاب‌های *Interchange* که مدتها به عنوان کتب مرجع در زمینه آموزش عمومی زبان انگلیسی شناخته می‌شد - انجام داده و نشان می‌دهد که چگونه مصادیق استیلای فرهنگ غرب همچون: هنجارها و شیوه زندگی، پوشش، سرگرمی‌ها و تفریحات رایج، آرزوها و برنامه‌ها، مراسم و مناسبت‌های اجتماعی، عادات کاری و شغلی و تجاری، نوع تغذیه و نیز ادبیات، فیلم، موسیقی و زندگی هنرپیشگان غربی و برجسته‌نمایی موفقیت‌های آنان، در جای جای کتاب به وفور گنجانده شده است. در بسیاری از موارد، این امور کمترین سنخیتی را با فرهنگ، اعتقادات، جهان‌بینی، و هویت و اصالت ایرانی - اسلامی ندارد. این امر با کم‌رنگ شدن یا کم‌اهمیت نشان دادن فرهنگ‌های دیگر اقوام، به نوبه خود می‌تواند فراتر از آشنایی‌ات فرهنگی رفته، به بیگانگی فرهنگی، تضعیف ارزشهای بومی و موازین ملی و دینی، برترینی فرهنگ دیگر و پذیرش و اتخاذ آن منجر شده و به تدریج، عرصه را برای ابراز هویت بومی تنگ‌تر کند. به عقیده صادقی، این عدم تطابق و انتقال یک‌سویه فرهنگی - اعتقادی، باعث می‌شود تا فراگیران زبان انگلیسی ایرانی، قابلیت طرح و صحبت کردن در خصوص موضوعات بومی و مقتضیات متداول در زندگی شخصی و اجتماعی خود را نداشته باشند؛ زیرا انتقال این گونه مفاهیم را در حین آموزش زبان انگلیسی مورد تمرین و یادگیری قرار نداده‌اند.

قهرمانی قاجار و پور صدوقی<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در بررسی کتابهای *Headway & New Headway* که طی ۱۰ سال پس از جنگ تحمیلی در دزفول تدریس می‌شدند، نشان دادند که محتوای آموزشی این کتب که اغلب معطوف به سبک زندگی اروپایی و آمریکایی است، نه تنها قرابت و نزدیکی به زندگی زبان‌آموزان دزفولی نداشته، بلکه در بسیاری از موارد با ارزشها و روش زندگی آنان در تضاد و تنش بوده‌اند.

بحرینی<sup>۲</sup> (۱۳۹۲) نیز در «تحلیل ارزشهای فرهنگی در کتاب‌های آموزشی *Impact*» که در برخی از آموزشگاههای زبان انگلیسی در ایران تدریس می‌شوند، نشان می‌دهد که ارزشهایی که در فرهنگ ایرانی-اسلامی منفی تلقی می‌شوند، همچون: افسارگسیختگی فرزندان، داشتن دوست دختر یا پسر و قرار ملاقات، اعتیاد به کامپیوتر، مد و توجه افراطی به زیبایی ظاهر، استعمال دخانیات و مشروبات الکلی، و غیره نسبت به ارزشهای فرهنگی مثبت این کتابها، همچون: مسئولیت‌پذیری، برنامه‌ریزی، تشویق به داشتن پشتکار، کمک به هم‌نوع، توجه به بهداشت و محیط زیست، وقت‌شناسی و غیره از فراوانی بیشتری برخوردارند.

بررسی‌های دیگری همچون «تجزیه و تحلیل انتقادی گفتمان کتب رایج آموزش زبان انگلیسی بین‌المللی و داخلی در ایران» انجام شده توسط کوشا، طالبی‌نژاد و تکی<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، از رخنه‌های الگوی‌های فکری و رویکردهای ایدئولوژیکی همچون: نظام سرمایه‌داری و فرهنگ مصرف‌گرایی، تبلیغات فراوان، مدپرستی و توجه گسترده به مادیات در این محصولات آموزشی حکایت می‌کند.

با این همه، عبداللهیان و حسینی‌فر<sup>۴</sup> (۱۳۹۱) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر بازنمایی ایدئولوژی و سبک زندگی در کتابهای آموزش زبان *Interchange*»، نحوه برخورد مخاطبان با این کتابها را نیز مورد مطالعه و واکاوی قرار دادند. آنان به این نکته اشاره دارند که کتب انگلیسی تنها منبع تأثیرگذار برای آشنایی با فرهنگ غربی نیستند و لزوماً باعث تقلید از سبک زندگی آمریکایی نمی‌شوند، بلکه یکی از ابزارهای القا و ترویج فرهنگی به شمار می‌آیند و نقش سایر رسانه‌ها همچون: ماهواره و اینترنت، در انتخاب و پیروی از آداب و رسوم و عاداتهای اجتماعی غربی قابل تأمل تر است.

با توجه به نظرات متفاوت در خصوص نقش و تأثیر کتابهای وارداتی، جای بسی تأسف است که با وجود ثروت و گنجینه‌های فرهنگی، معنوی، تاریخی، ادبی و هنری ایرانی-اسلامی

1. Ghahremani Ghajar & Poursaduqi

2. Koosha, Talebeinezhad & Taki

## ۱۲۱ **◆** بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی

که قرن‌ها مورد تحسین جهانیان قرار گرفته‌اند، تلاش‌های محدودی برای بهره‌گیری از این میراث و ارائه آن در آموزش زبان انگلیسی صورت گرفته است. هر چند در سالهای اخیر زمزمه‌هایی در خصوص ضرورت مقابله با انحصارطلبی و سلطه فرهنگ و دانش غربی به گوش می‌رسد، اما به نظر می‌رسد کپی‌برداری و مصرف‌گرایی علمی و گرایش به ترجمه صرف منابع خارجی به جای خلق و بازآفرینی منابع داخلی از یک سو و معضلاتی همچون: خودفراموشی و خودگسستگی، عدم خودباوری، وابستگی فکری به دیگران و پذیرش بی‌چون و چرای روش‌های وارداتی از سوی دیگر، همچنان بر فضاهای آموزشی به ویژه در آموزش زبان انگلیسی پرتو افکنده است. به نظر می‌رسد آنچه در میان هیاهوی جهانی‌شدن و رسیدن به استانداردهای جهانی و مانند «دیگران» شدن کمتر به گوش می‌رسد، آهنگی است برای خودیابی و درک عمیق‌تر خود. شاید ما نیز همچون نی در «نی‌نامه مولانا» که از جدایی از اصل خویش شکایت می‌کند، گرفتار از خود دور افتادگی شده‌ایم. برای اجتناب از گسترش و تعمیق این «فصل» و جدایی، ضروری است به بازشناسی این ظرفیتها همت گماشته، با تکیه بر میراثها و سرمایه‌های علمی، فکری و معنوی خود، دگر بار بستری را برای تقویت خویش‌یابی فراهم کنیم.

### **ب) کوششی برای یک «وصل» و پیوند در محتوای درسی زبان انگلیسی**

در پژوهشی کیفی (معلم - پژوهنده) و میان‌رشته‌ای که با این دغدغه و با همراهی اساتید و کارشناسانی از رشته‌های آموزش زبان انگلیسی، ادبیات فارسی و تاریخ اسلام در دانشگاه الزهراء (س) صورت گرفت، بر تهیه و تدوین و ترجمه انگلیسی متون فاخر و غنی ادبی - اسلامی همچون: ترجمه داستانهای مثنوی مولوی، منطق‌الطیر و الهی‌نامه عطار و شاهنامه فردوسی و استفاده از این متون ادبی به عنوان جایگزینی برای کتابهای رایج وارداتی در کلاسهای عمومی آموزش زبان انگلیسی در مقطع دانشگاه همت گماشته شد. علاوه بر اوج زیبایی کلام، بی‌شک یکی از ویژگی‌هایی که این متون کهن فارسی را ارزشمند و برخوردار از آوازه جهانی نموده، اتصال و بهره‌مندی مضامین باطنی آنها از آموزه‌های اقیانوس بیکران آیات قرآن و احادیث و فلسفه اسلامی است. مثنوی، منطق‌الطیر و الهی‌نامه، در قالب تمثیلات و قصه‌های عامیانه و حکایات رمزی کوتاه و بلند و قطعه قطعه بیان شده خود، به بیان مباحث ژرف و معانی بلند معرفتی و اخلاقی و جهان‌بینی عرفانی اسلامی می‌پردازند. شاهنامه نیز در خلال روایت اسطوره‌ها، مایه‌های مذهبی و ملی را در هم آمیخته، انبوهی از آموزه‌ها و فضایل و رذایل اخلاقی و انسانی را عرضه می‌دارد. از جمله اهداف این پژوهش، بررسی نحوه تأثیرپذیری زبانی فراگیران و دانشجویان در مواجهه با این قصص خودی و نگرش و دیدگاههای آنان در خصوص استفاده از این متون است.

### ج) تاریخ اجمالی آموزش زبان انگلیسی از عصر استعمارگری تا جهانی شدن

امروزه زبان انگلیسی به عنوان رایج‌ترین زبان بین‌المللی جهان قلمداد می‌شود. پنی‌کوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در بررسی تاریخی زبان انگلیسی و استعمارگری نشان می‌دهد که زبان انگلیسی، این سیطره را نه مدیون ویژگی‌های زبانی منحصر به فرد، همچون: غنای واژگانی و نحوی و غیره و نه سهولت یادگیری آن است؛ بلکه آنچه رشد و انتشار این زبان را به ارمغان آورده، قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی ابرقدرتانی بوده که به این زبان تکلم می‌کردند. این پشتوانه، در قرن نوزدهم، بستر مناسبی را برای انتقال این زبان به سایر سرزمینها به خصوص کشورهای تحت استعمار دولت بریتانیا، همچون: هند، مالزی، هنگ‌کنگ و کشورهای آفریقایی فراهم آورد. پنی‌کوک (۲۰۰۷) معتقد است دومین جهش بزرگ زبان انگلیسی، در قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم و در عصری که از آن به عنوان «استعمار نو»<sup>۲</sup> یاد می‌شود، به وقوع پیوست. طی این دوران، با به قدرت رسیدن ایالات متحده آمریکا، زبان انگلیسی به عنوان زبان سیاست، اقتصاد، علم، مدرنیته و ارتباطات، در سطح جهان مطرح و گسترش یافت و از آنجا که سخن گفتن و ایجاد ارتباط زبانی به انگلیسی برگ برنده‌ای برای متکلمان آن به حساب می‌آمد، سیر صعودی طالبان فراگیری این زبان در سایر کشورها همچنان ادامه یافت و تاکنون نیز ادامه دارد. این روند رو به رشد تا آنجا پیش رفت که موجبات مرزبندی‌ها و تقسیم‌بندی‌های متعددی بین متکلمان زبان انگلیسی شده است. برای مثال، کاجرو<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) متکلمان انگلیسی را به سه دسته تقسیم کرده است: حلقه درونی شامل کشورهایی مانند انگلیس و آمریکا و استرالیاست که انگلیسی زبان اصلی آنهاست. حلقه بیرونی شامل کشورهایی مانند سنگاپور، هند، نیجریه و... است که انگلیسی نقش زبان دوم را در میان مردم آن کشورها دارد و دایره بزرگ‌تر شامل کشورهایی همانند ایران است که انگلیسی در آنها زبان خارجی محسوب می‌شود. اعتباربخشی و مشروعیت‌بخشی به تولیدات آموزشی کشورهای حلقه میانه، همانند آمریکا و انگلیس، سبب شده این کشورها سهم عمده‌ای را در تولید و گسترش نظریه‌ها و روش‌های آموزش و تدریس زبان، تولید محصولات آموزشی و صادرات آنها به سایر کشورهای جهان داشته باشند.

با این حال در دو دهه گذشته و همگام با افزایش کمی تعداد غیر بومی‌زبانان<sup>۴</sup> انگلیسی که باعث ایجاد تنوعی از زبان و گویشهای انگلیسی شده است، معیارها و ارزشهای غالب در آموزش

1. Pennycook

2. Neocolonialism

3. Kachru

4. Non-Native Speakers

## بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی ۱۲۳

این زبان نیز مورد بازبینی و انتقاد قرار گرفته‌اند. ویدوسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) از جمله افرادی است که به مطرح کردن موضوعاتی از قبیل اینکه آیا بومی‌زبانان تنها مالکان اصلی این زبان بین‌المللی‌اند و آیا همراه با آموزش زبان لزوماً فرهنگ کشورهای تولیدکننده به ویژه غربی‌ها باید تدریس و گسترش داده شود، پرداخت. به عقیده وی، زبان انگلیسی را دیگر نمی‌توان فقط متعلق به کشورهای انگلیسی‌زبان دانست؛ زیرا اقشار مختلف از همه ملتها در سراسر جهان ممکن است به دلایل مختلف و به طرق مختلف از این زبان بهره‌جویند.

کاناگاراچا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) بخشی از اقدامات صورت گرفته در گوشه و کنار دنیا برای مطابقت زبان انگلیسی با نیازها، فرهنگها، هویت و شرایط جوامع دریافت‌کننده، گردآوری کرده که از آنها تحت عنوانی همچون: بومی‌سازی زبان، چندگونگی شدن، جهانی - محلی شدن و غیره یاد می‌شود.

همگام با این اقدامات، تلاشهایی نیز در کشورهای مسلمان برای اسلامی‌سازی آموزش زبان انگلیسی صورت گرفته است. برای مثال، احمر محبوب<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) نویسنده پاکستانی، از اقداماتی همچون ادغام واژگان اسلامی در کتب درسی انگلیسی در پاکستان برای حفظ هویت زبانی و فرهنگ اسلامی نام می‌برد. ابراهیم آدبایو<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نیز از تشکیل مهد کودکهای اسلامی‌زبان انگلیسی در نیجریه صحبت می‌کند که طی آن، مفاهیم اسلامی به زبان انگلیسی به کودکان آموزش داده می‌شود. برای مثال، به جای یادگیری الفبای انگلیسی به صورت معمول، هر حرف الفبا به یکی از صفات خداوند ارتباط داده می‌شود.

از جمله مسائلی که در سالهای اخیر اهمیت خاصی یافته، همراه‌سازی ادبیات در آموزش زبان انگلیسی و عرضه ادبیات خلق شده توسط غیر بومیان زبان انگلیسی است که بخشی از آن در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

### د) کاربرد متون ادبی در تدریس زبان انگلیسی

استفاده از متون ادبی در کلاس‌های زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم یا خارجی، پدیده جدیدی نیست. کولی و اسلیتر<sup>۵</sup> (۱۹۸۷) بیان می‌دارند که قبل از سال ۱۹۵۰ و در دورانی که از آن به عنوان عصر سنتی آموزش زبان یاد می‌شود، از متون ادبی لاتین برای ترجمه و یادگیری ساختارهای گرامری استفاده

- 
1. Widdowson
  2. Canagarajah
  3. Ahmar Mahboob
  4. Ibrahim Adebayo
  5. Collie & Slater

می‌شد. با گسترش رویکرد ارتباطی،<sup>۱</sup> استفاده از متون ادبی به حاشیه رانده شد و مجدد در دهه ۱۹۸۰ به عنوان منبعی مناسب برای استفاده در برنامه درسی مورد توجه قرار گرفت. هواداران استفاده از متون ادبی در تدریس زبان انگلیسی بر این باورند که ادبیات به دلیل برخورداری از غنای زبانی، ساختاری و واژگانی خود می‌تواند بستری مناسب را برای مواجهه با زبانی معنادار ایجاد کند. گذشته از آن، غنای فرهنگی و ماهیت و جذابیت‌های عاطفی و احساسی و موضوعات برگرفته از زندگی فردی و اجتماعی و مباحث قابل تأمل در متون ادبی - در صورت همراهی با شیوه‌های آموزشی مناسب - می‌تواند زمینه‌ای را برای مذاقه و بررسی عمیق‌تر و بحث و گفتگو و تبادل نظر در زمینه‌های مختلف فراهم آورد. به عنوان نمونه، پیشقدم (۱۳۸۶) در پژوهشی به تأثیرات مثبت افزایش تفکر انتقادی از طریق مباحثه ادبی در کلاسهای زبان انگلیسی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که ادبیات به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی همچون: غنای عاطفی و احساسی و برخورداری از موضوعات قابل تأمل و پر اهمیت زندگی روزمره می‌تواند زمینه لازم را برای تبادل آرا و ایجاد تفکر انتقادی فراهم کند.

اما موضوع قابل اهمیت این است که با وجود جهانی تلقی شدن زبان انگلیسی و گسترش روزافزون تعداد غیر بومیان این زبان، ادبیات انگلستان و آمریکا، به ویژه شعر، داستانهای کوتاه، رمان، نمایشنامه‌های خلاصه شده یا اصلی، به دلایل مختلفی از جمله: استاندارد بودن و تسلط زبانی نویسندگان بومی آنان، مشروعیت انحصار طلبانه‌ای یافته‌اند؛ آنچنان که برگردان انگلیسی ادبیات سایر ملل جهان، جایگاه محدود و نامحسوسی در برنامه‌های آموزشی زبان انگلیسی پیدا کرده‌اند. این در حالی است که استفاده از متون غیر بومی، به علت تنوع موضوعات فرهنگی، مضامین و آرایه‌های ادبی، می‌تواند منجر به افزایش آگاهی نسبت به سایر فرهنگها و زبانها شوند (کاجرو و اسمیت،<sup>۲</sup> ۲۰۰۸: ۱۷۵-۱۶۷). برخی محققان چون خطیب، رنجبر و فتحی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) به این نکته اذعان دارند که منحصر کردن تدریس ادبیات به ادبیات کشورهای انگلیسی‌زبان، پیامدهایی همچون: امپریالیسم زبانی، استعمار ذهنی و فرهنگی و خودکمترینی به همراه خواهد داشت.

در حالی که در سالهای اخیر کشورهایی همچون: هند و مالزی و سنگاپور به عرضه ادبیات بومی خود و استفاده وسیع‌تر از ادبیات انگلیسی نوشته شده توسط نویسندگان آسیایی روی آورده‌اند، در کشور ما کمتر اقدام جدی‌ای برای عرضه ادبیات کهن و جدید خود به فراگیران زبان انگلیسی صورت گرفته است. بی‌شک ما نیز قصه‌های خودی بی‌شماری برای ارائه داریم که در

1. *Communicative Language Teaching*

2. *Kachru & Smith*

3. *Khatib, Ranjbar & Fat'hi*



#### بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی ♦ ۱۲۵

عرصه‌های ملی و بین‌المللی ناگفته باقی مانده‌اند. طی پژوهشی، قهرمانی قاجار و عزیزی (۲۰۱۴) مصاحبه‌هایی با مدرّسان زبان انگلیسی نسبت به ادغام متنهای روایی انگلیسی برگرفته از آثار کلاسیک ادبیات فارسی همچون: مثنوی معنوی و شاهنامه در کلاسهای زبان انگلیسی انجام داده‌اند. در حالی که برخی مدرّسان تردیدهایی نسبت به استفاده از برگردان انگلیسی داستانهای فارسی به خاطر زبان پیچیده و احتمالاً نادرست متنها و عدم علاقه زبان‌آموزان ایرانی ابراز داشته‌اند؛ برخی دیگر دیدگاه مثبت و خوش‌بینانه‌ای نسبت به زبان ادبی، محتوای غنی و قرابت و آشنایی بیشتر زبان‌آموزان با این داستانها داشته و دارند. (قاجاری و عزیزی، ۲۰۱۴: ۱۳۱-۱۲۷)

در پژوهش کیفی پیش رو، در کنار فرایند گزینش داستانهای کلاسیک و مناسب‌سازی زبانی آنها با متون آموزشی، نحوه تأثیرپذیری زبانی دانشجویان در مواجهه با این مواد آموزشی و نگرش و دیدگاههای آنان در خصوص استفاده از این متون بررسی شده است. بی‌شک این امر نیازمند بررسی بیشتر متون ادبی و قابلیت‌های آنها، بررسی نحوه ارائه در کلاسهای زبان انگلیسی و بازخورد آنهاست.

#### ه) جامعه آماری

شرکت‌کنندگان در این پژوهش که سه نیمسال تحصیلی به طول انجامید (بهمن ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۳۹۲)، شش گروه ۳۰ تا ۵۰ نفری از دانشجویان دختر ۲۳-۱۸ سال درس زبان عمومی دانشگاه الزهراء (س) بودند که در دو گروه مجزا در هر نیمسال، در رشته‌های علوم اجتماعی، فلسفه اسلامی و منطق، مدیریت مهندسی صنایع و مهندسی کامپیوتر به تحصیل مبادرت داشتند. این دانشجویان همگی ایرانی و از شهرهای مختلف بوده‌اند. پیش‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و زبانی متنوع این افراد، این امکان را ایجاد کرد تا چگونگی اجرا و بازخورد این برنامه درسی توسط افراد و جمعیت‌های مختلف بررسی شود. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

#### و) روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

این پژوهش در چندین مرحله مرتبط با هم اجرا شد. همانند دیگر پژوهشهای کیفی معلم‌محور، این پژوهش روندی چرخشی و گردشی داشت و در هر مرحله، با جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و مشورت تیم محققان همراه بوده است. در مرحله نخست که تحت نظارت، راهنمایی و مشاوره استادان و کارشناسان از رشته‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام انجام گرفت، سعی شد تا از طریق مطالعه منابع ادبی کهن فارسی، مجموعه داستانهایی با محتوای فردی و اجتماعی قابل تأمل انتخاب شود. از آنجا که ترجمه انگلیسی ادبی این متون در اغلب موارد مناسب با کلاس درس و سطح فراگیران نبود، در فواصل مختلف به ترجمه روان، بازنویسی، طراحی و مناسب‌سازی داستانها اقدام شد. گذشته از این، تلاش شد تا متناسب با اهداف هر درس،

فعالتهای زبانی مناسبی طراحی شود تا نتیجه واقعی حاصل آید. بر خلاف روشهای معمول، عمده تلاشهای صورت گرفته بر آن بود تا فعالتهای کلاسی به تقویت مهارتهای درک نوشتاری، گرامر و واژگان و انجام فعالتهای زبانی مکانیکی محدود نشود، بلکه فضایی مناسب برای مباحثه و تفکر نقادانه ایجاد شود. به این منظور، در خواندن داستانها دانشجویان ترغیب می شدند تا در خصوص معانی پنهان و مفاهیم نهفته آنها به بحث پردازند و چگونگی ارتباط و ادغام این مفاهیم با زندگی کنونی را بررسی و تجارب شخصی خود را به داستانها، شخصیتها و وقایع ارتباط دهند. حضور مستقیم یکی از محققان به عنوان مدرس در صحنهها و مشاهده زبان آموزان و ارتباط با آنها، امکان درک غنی تری از شرایط را ایجاد کرد. در مراحل مختلف، چگونگی دریافت و پذیرش این دست متون توسط زبان آموزان، نحوه عملکرد و بازخوردهای آنان و تأثیرات آن بر شکل گیری زبان تولید شده توسط آنان از طریق روشهایی همچون ضبط مشارکت آنان در مباحث و گفتگوهای کلاسی و ارائه های آنان، جمع آوری نوشته و اسناد خلق شده و نظرسنجی از آنان بررسی شد.

در تجزیه و تحلیل داده ها، مشاهدات به همراه یادداشتهای صورت گرفته، متن تایپ شده گفتگوهای کلاسی، اسناد متنی و غیر متنی تهیه شده از دانشجویان، به دفعات بررسی شد و در هر مرحله، حاشیه نویسی، ثبت اندیشه ها از چگونگی وقوع پدیده ها و نحوه ارتباط آنها به یکدیگر، با هدف شناسایی رویدادهای مهم و کشف مفاهیم مستتر در داده ها صورت گرفت. سپس مضمونها یا درونمایه های استخراج شده کد گذاری و نامگذاری و به همراه مصادیق مرتبط طبقه بندی شد.

گردآوری داده ها از منابع مختلف، اعم از مشاهده، جمع آوری مدارک، نظرسنجی و در مقاطع زمانی متعدد و ارتباط مستمر و طولانی مدت با شرکت کنندگان و فراگیران زبان، ارائه توصیفات دقیق و غنی از وقایع در مراحل مختلف و استفاده از همکاران پژوهشی در بررسی داده ها و بازبینی تحلیلها و تفاسیر، از جمله اقداماتی بود که منجر به افزایش پایایی و استحکام علمی یافته ها در این پژوهش شده است. علاوه بر این، گفته ها و نوشته های دانشجویان بدون تغییر و دستکاری ارائه شده است. ولی بنابر الزامات اخلاقی از نام های مستعار به جای اسامی واقعی شرکت کنندگان استفاده خواهد شد.

## ز) یافته های تحقیق

### ۱. خلق زبان انگلیسی آمیخته با معنویت

بسیاری از داستانهای بومی و ملی با دستمایه های مذهبی و دینی، بن مایه های معنوی و عرفانی عمیقی دارند که برگزیدن شماری از آنها برای استفاده در متون درسی می تواند به انتقال این گونه مفاهیم در حین آموزش بینجامد. پس از انتخاب این داستانهای پرمایه، انتظار می رفت تا زمینه ای برای ابراز عقاید و نظرات فراگیران و دانشجویان در خصوص این مفاهیم و متعاقب آن، بستری برای بازگشت به خود و تفکر در باب معنا و مفهوم زندگی و حتی آموزش خودباوری فرهنگی فراهم آید. یک نمونه از این داستانها، خلاصه ای از داستان منطق الطیر عطار نیشابوری بود. انتخاب این اثر فاخر فارسی به این دلیل بوده است که این داستان بلند رمزی و

بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی ♦ ۱۲۷

سرشار از استعاره و مجاز می‌تواند علاوه بر ترغیب دانشجویان به تفکر در مورد بن‌مایه‌های داستان، به فراگیری مجموعه‌ای از اصطلاحات مربوطه کمک کند. یکی از زیباترین بخشهای این داستان، بیان مراحل سیر و سلوک در عرفان از زبان پرندگان است که به دنبال سیمرغ می‌گردند و هدهد راهنمای آنان می‌شود. زیبایی داستان در ابتدای کار و هنگامی که زمان حرکت به سمت آشیانه سیمرغ؛ یعنی کوه قاف فرا می‌رسد، دوچندان می‌شود. به دلیل دوری و سختی راه، کم کم هر یک از پرندگان برای همراهی نکردن با گروه غدیری می‌آورند و از رفتن باز می‌مانند. هدهد، تک‌تک پرندگان را نصیحت می‌کند و از آنان می‌خواهد ترس و تردید را کنار بگذارند و برای رفتن آماده شوند. با فرمان او، صدهزار پرنده به حرکت درمی‌آیند و پس از عبور از هفت وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا، تنها سی مرغ با بال و پر ریخته و نیمه‌جان به درگاه سیمرغ می‌رسند؛ اما ظاهراً در آنجا از سیمرغ خبری نیست. آنچه مایه حیرت و شگفتی‌شان می‌شود این است که درمی‌یابند خود همان سیمرغ افسانه‌ای‌اند یا به تعبیری، سیمرغ در وجود خود آنهاست؛ چنانکه شاعر می‌گوید:

چون نگه کردند آن سی مرغ زود بی‌شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود (۴۲۶۳)

خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ سی مرغ مدام (۴۲۵۶)

در ذیل، بخش کوتاهی از برگردان داستان به انگلیسی آورده شده است:



### Conference of the birds

Once upon a time, all birds in the world gathered together. They complained that they had no king to rule them. They said, "all nations in the world require a king; How is it we alone have no such thing? We need a king and must inquire for one." Hoopoe, a wise bird who had travelled in lands and oceans for years told them that if they truly need a king, they must shake off self and fly to Mount Qaf where the all-wise Simorgh, the birds' King lives. The hoopoe began talking about the kindness, beauty

and greatness of the Phoenix and as he talked the birds' love increased for Him. When the hoopoe finished his speech, all the birds announced that they are both eager and impatient to fly to the King. The hoopoe told them that the way is long and requires heart; however, without flying to Him life is worth nothing. Having heard of the difficulties of the route, a number of the birds were filled in with terror and horror and soon began to make excuses one after another. First the nightingale began and talked about his love of a fair rose with which he finds pleasure and comfort and without which he becomes dumb and mute. He said, "To me my fair rose is enough and I have no other dreams". The hoopoe warned him that he has lost himself in the charming appearance and fine colors of a passing rose which only lasts a week and then withers into dust.

پس از ارائه برگردان انگلیسی داستان در کلاس درس، از دانشجویان که کم و بیش از قبل با محتوای داستان آشنا بودند، خواسته شد نظرات خود را به صورت فردی یا گروهی در خصوص شخصیت‌های داستان و درون‌مایه‌های آن بیان کنند. دانشجویان با تکیه بر متن انگلیسی و استفاده از لغات، اصطلاحات، عبارات و جملات متن، به بیان دیدگاه‌های متنوع و مختلفی پرداختند. آنان پرندگانی را که به دنبال عذری برای همراهی نکردن با گروه بودند، نماد مردمانی می‌دانستند که خود را اسیر متعلقات دنیایی کرده‌اند. به عقیده آنان، رهایی از ترس، رهایی از قدرت و جذابیتهای زندگی دنیوی و رسیدن به بصیرت، از جمله مفاهیم نهفته در این داستانند. در ذیل، ترجمه فارسی تعدادی از نظرات بیان شده آورده شده است:

فاطمه و پریسا: در منطق الطیر نویسنده می‌خواهد به ما بگوید که ما نباید فریفته مناظر دلربا شویم و هرگز هدف خود را در زندگی گم نکنیم... و این دستیابی، در حقیقت رسیدن به خداست، وقتی به آن می‌رسی چیز دیگری را نمی‌خواهی.<sup>۱</sup>

نادره و فائزه: نویسنده می‌خواهد ما را از آنچه در درون خود داریم آگاه سازد و ما می‌توانیم با تلاش خود آن را نشان دهیم.<sup>۲</sup>

عرفانه و الهام: پرندگانی که عذر آوردند، سمبل افراد جامعه هستند... انسانهایی که هرگز تلاش نمی‌کنند و از اهداف بزرگ در زندگی هراسانند. برای مثال، اردک نمی‌تواند متعلقات خود را رها کرده...<sup>۳</sup>

مانده و شراره: پرندگانی که عذر آوردند افرادی هستند که به ظاهر بسنده کرده و برای عشق واقعی تلاش نمی‌کنند و افرادی که فقط حرف می‌زنند و تکانی به خود نمی‌دهند. برای مثال، شاهین سمبل شخصی است که تجمل‌گرا و مغرور است. یا گنجشک سمبل شخصی است که برای زندگی‌اش تلاش نمی‌کند به این بهانه که ضعیف و ناتوان است.<sup>۴</sup>

1. Fatemeh & Parisa: In the conference of the birds, the writer wants to say us that we don't be deceived with charming sceneries and we never lose our way and our purpose in life... and this achievement is really God, when you reach it you don't want anything.

2. Nadereh & Faezeh: The writer wants to aware us of what we have inside of ourselves & we can show it by our efforts.

3. Erfaneh & Elham: The birds that made excuses are symbols of members of society .... Human that never try and always are afraid of taking big goals in their life. For example,... duck, he can't abandon his belongings ....

4. Maedeh & Sharareh: The birds that made excuses are persons who consent to appearance ... and don't try for reaching to real love & persons who just speak and don't shake off themselves. For example, falcon: it is symbol of a person that is luxurious and proud. Or Sparrow: it is symbol of a person that doesn't try for his life, with the excuse that he is weak.

## ۱۲۹ ◆ بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی

به نظر می‌رسد مخاطبان و فراگیران زبان‌آموز، پیام متن بومی را به درستی دریافته‌اند؛ زیرا با بهره‌گیری فراوان از عباراتی همچون: «رسیدن به خدا»، «عشق واقعی»، «تکان دادن خود و رهایی از «متعلقات» و مانند آن، در زبان خلق شده توسط خود، رنگ و بویی از معنویت را منتقل می‌کنند. تلاش آنان برای استفاده از دانسته‌های زبان انگلیسی در ابراز اندیشه‌ها و جهان‌بینی، باورها و اعتقادات بومی خود، حکایت از همزادپنداری دینی و بومی و نیز فهم محتوا و پیام اصلی متن دارد. این در حالی است که در کلاسهای زبان انگلیسی، به طور عمده فضایی برای این‌گونه زبان تفهیمی و معرفتی فراهم نمی‌شود. تفاوت متون انتخاب شده بومی و برگردان آنها به زبان انگلیسی با متون وارداتی نشان می‌دهد ناشران کتابهای رایج زبان انگلیسی در ترویج روند سکولاریسم و تقدس‌زدایی نقش مهمی دارند و احتمالاً به دغدغه اصلی بسیاری از معلمان که انتقال موضوعات کتاب در سرلوحه فعالیتشان قرار دارد، وقوف کامل دارند.

### ۲. خلق زبان انگلیسی آمیخته با بینش و تفکر

در تدریس متون ادبی، همواره سعی بر آن بود تا دانشجویان به جای دریافت برخی محفوظات و اطلاعات و بازگویی متون، به نقد و بررسی داستانها و ارائه نظرات، یافته‌ها و احساسات خود ترغیب و تشویق شوند و خطاهای دستوری و واژگانی، سد راهی برای شرکت در مباحث کلاسی نباشد. در بسیاری از موارد، این گفتگوها علاوه بر اینکه به دانشجویان کمک می‌کنند تا سخن و عقیده خود را به انگلیسی بیان کنند، فضای مناسبی را برای نگرشها و درکهای عمیق‌تر فراهم می‌کند. برای نمونه می‌توان به تحلیل داستان رومیان و چینیان (در دفتر اول مثنوی) از معروف‌ترین داستانهای تمثیلی مولوی توسط دانشجویان اشاره کرد. در این داستان، نقاشان چینی با نقاشان رومی به بحث می‌پردازند که کدام یک در هنر نقاشی بر دیگری برتری دارند. برای امتحان آنان، شاه دستور می‌دهد دیواری را پرده کشند و دو گروه نقاش، کار خود را آغاز کنند. چینی‌ها انواع مختلفی از رنگ را در خواست کرده و به تزیین و نقاشی دیوار پرداختند. اما رومیان بدون رنگ و مصالح، فقط دیوار خود را صیقل می‌زدند. در پایان کار، چینی‌ها شاه را برای تماشای نقاشی خود دعوت کردند. شاه با دیدن نقاشی چینیان در شگفت شد. سپس رومیان شاه را به تماشای کار خود دعوت کردند. دیوار رومیان مثل آینه صاف بود. ناگهان رومی‌ها پرده حایل را کنار زدند و عکس نقاشی چینی‌ها در آینه رومی‌ها افتاد و زیبایی آن چند برابر بود و چشم را خیره می‌کرد. بخشی از این داستان به زبان انگلیسی به ترتیب ذیل بازگردان شد:

**The Chinese and the Greek Artists**

The Chinese and the Greeks disputed before the king which of them were better painters. In order to settle the dispute, the king gave each a room to be painted by them. The Chinese used all kinds of paints, and colored their room in the most beautiful way. The Greeks, on the other hand, used no colors at all, but began rubbing, cleansing and polishing the walls of their room from all dirt until they were as clear and bright as the heavens. When the two rooms were ready, they asked the king to visit them. When the king saw the Chinese room, he was amazed and surprised by the beautiful, colorful pictures and admired them for their art.

در گفتگوی صورت گرفته با دانشجویان، نظرات متعددی در خصوص زبان سمبلیک و محتوای غنی داستان رد و بدل شد. برای نمونه؛ مهناز، یکی از دانشجویان فلسفه و منطق، به نقش دیوارها به عنوان سمبلی از روح آدمی اشاره کرد و ندا و صفورا به تفاوت بین ظاهر و باطن و رنگهای ظاهری و صیقل دادن روح اشاره کردند. در نظر مرضیه، کار هر دو گروه از نقاشان قابل تحسین بود؛ چون «وقتی کاراشون کنار هم قرار گرفت زیبا شد»:

Mahnaz: The walls are ..... symbol ...of human's soul.  
 Teacher: Very good  
 Neda: The Chinese used the colors.....show the ...appearance but the Greeks show the باطن  
 Teacher: Show the soul. Very nice....  
 Fatemeh (interrupting): The world is beautiful with colors. همون تنوع رنگها  
 Marziyeh (interrupting): works...complete each other ...and کار دیگر است  
 when they are with each other...more beautiful. وقتی کاراشون کنار هم قرار گرفت زیبا شد  
 Safoora: من فارسیش رو خوندم...و اینکه مولانا میخواد بگه بدیها زیر رنگها... رنگهای دنیایی میتونه مخفی بشه و صیقل  
 دادن روح بهتر از اون رنگ زدن..  
 Teacher: Very nice. Brushing the soul is better than that coloration

بدین ترتیب، این دست بحث‌ها و تبادل افکار و تعامل میان دانشجویان و مدرس، زمینه مساعدی را برای خلق زبان انگلیسی آمیخته با بینش و تفکر فراهم کرد. در این تحلیلها، دانشجویان ترغیب می‌شدند تا فراتر از متن بنگرند و خواندن بین سطور و ماورای سطور را تجربه و لایه‌های نهفته معانی را در آنها جستجو کنند. در نظرسنجی‌های انجام شده نیز جمع زیادی از دانشجویان به این نکته اذعان داشتند که این نوع خوانش متون ادبی که در آن سطح بالاتری از استنباط و تحلیل و تفکر درگیر می‌شود، با روشهای متداول خوانش که به دریافت سطحی اطلاعات و درک مطلب محدود می‌شود یا با هدف روانخوانی و افزایش دایره واژگان و پاسخگویی به سؤالات متن محور صورت می‌گیرد، متفاوت و مؤثرتر است. در ادامه، تعدادی از این نظرات آورده شده است:

«حدیث: کار خیلی خوبی که در طول ترم وجود داشت، صرفاً استفاده از این گونه متون نبود، بلکه بهتر از آن، بحث و تبادل نظری که وجود داشت بود. تبادل نظر در مورد این گونه متون که هم ما را به تفکر بیشتر در مورد ادبیات کشورمان وا می‌داشت، هم اینکه خوب سطح زبانمان بهتر می‌شد. بحثهای انجام شده در انتهای داستانها جالب بود. چون بعضی وقتا زوایایی از یک موضوع مطرح می‌شد که خودم اصلاً به اون زاویه نگاه نکرده بودم.

«ساجده: خواندن این متون و بحث در مورد آنان، بسیار عالی و کارآمد بود. حداقل فهمیدیم که چقدر می‌توانیم اندیشه‌ها و نظراتمان را به انگلیسی ترجمه کنیم و قدرت تحلیل خود را بسنجیم و آموختیم که متون را تحلیل و بررسی کنیم و کمی ژرف‌اندیش باشیم.

«فاطمه: ترجیح می‌دهم متن فارسی این متون را مطالعه کنم. برای زبان انگلیسی مایلم متون روز و آکادمیک را مطالعه کنم. متون به‌روز با تکنولوژی و اتفاقات و حوادث و اکتشافات و دستاوردهای جدید و... اما نگاهم به زبان کمی تغییر کرد اینکه زبان محدود به گرامر و لغت نیست...»

### ۳. خلق زبان انگلیسی آمیخته با زندگی حال

در بحث و گفتگوها و تحلیلهای انجام شده در انتهای افسانه‌ها، حکایتها، داستانهای کوتاه و بلند، دانشجویان ترغیب می‌شدند تا به مقایسه و ارزیابی ارتباط بین مفاهیم، وقایع و شخصیت‌های مطرح شده در متون ادبی کلاسیک و انطباق آنان با دوران معاصر، رویدادها و شرایط اجتماعی و تاریخی و زندگی حال پردازند. تنها به عنوان یک نمونه، پس از خواندن برگردان داستان معرف کاوه آهنگر و ضحاک در شاهنامه فردوسی، از دانشجویان خواسته شد تا نظرات خود را در مورد وقایع مختلف این داستان، از جمله قسمتی که با بوسه ابلیس بر دوش ضحاک دو مار می‌روید و ابلیس بار دیگر به یاری او آمده و می‌گوید که باید در هر روز مغز سر دو جوان را به مارها بخوراند تا خود طعمه آنان نشود پردازند. در ذیل، برخی از انبوه نظرات دانشجویان در خصوص تفسیر این بخش از داستان و ارتباط آن با جامعه و زندگی کنونی آورده شده است:

«فائزه: خوردن مغز انسانها یعنی ربودن توانایی تفکر از آنها و مجبور کردن آنان به زندگی در ناآگاهی. این همان چیزی است که شیطان می‌خواهد و به همین دلیل است که در قرآن در بسیار موارد گفته شده: فکر کنید، یاد بگیرید... در عصر حاضر نیز ضحاکان بسیاری وجود دارند که مغز جوانان را به تدریج با ابزار جدید چون: موبایل، تلویزیون و مشغول کردن آنان با مسائل پوچ می‌خورند...»<sup>۱</sup>

1. Faezeh: Eating the human brains means stealing the ability of thinking from them & make them live in ناآگاهی. This is what evil wants & that's why in Quran been said many times: think, learn.... In our time

«فکر می‌کنم خوراندن مغز انسان به مارها و نه قسمت دیگری از بدن، نشان می‌دهد که وقتی مردم مغز (تفکرات، آرزوها...) نداشته باشند، نمی‌توانند کاری را بر علیه حکومت ظالم انجام دهند؛ چون قدرت واقعی مردم به ذهن آنها بستگی دارد»<sup>۱</sup>.

«ریحانه: فکر می‌کنم اهریمن می‌خواست جوانان را نابود کند؛ چون در هر جا جوانان عامل تغییر و تحولند و از بین بردن جوانان یک کشور برابر است با از بین بردن کشور»<sup>۲</sup>.

از دیگر وقایع به یاد ماندنی دیگر، خواندن اسطوره آرش کمانگیر با گروههای مختلف دانشجویان بود. داستان نقل می‌کند که در جنگی با تورانیان، کمانداری ایرانی به نام آرش داوطلب پرتاب تیری برای تعیین مرز ایران و توران شد. تیر از صبح تا غروب حرکت کرده و به مرز قبلی ایران و توران فرو می‌نشیند. پس از این تیراندازی، آرش از خستگی جان می‌دهد. برخی از دانشجویان در کلاسهای مختلف اظهار می‌داشتند که خواندن متنی به انگلیسی در مورد یک قهرمان ایرانی که در راه وطن جانفشانی کرده، به آنها «حس غرور» می‌دهد. برخی دیگر، آرش را به «شهیدانی» که در انقلاب و جنگ تحمیلی جان خود را فدا کردند تشبیه می‌کردند. حتی در یکی از بحثهای صورت گرفته، یکی از دانشجویان از همکلاسی‌های خود پرسید آیا در صورت وقوع جنگ حاضرند برای کشور خود جان دهند! پرسشی که با ارائه دیدگاههای مختلف همراه شد. آنچه از نوشته‌ها و گفتگوهای دانشجویان مشخص است، تلاش آنان برای تفسیر وقایع داستانی گذشته بر اساس واقعتهای زندگی کنونی خود است. تفاسیری از این دست نشان می‌دهد که چگونه داستانهای کهن - با گزینشی مناسب - می‌توانند تفاسیری به روز داشته، با زندگی روزمره خوانندگان عجین شوند و به آنان کمک کرده، به تدریج قابلیت طرح و صحبت کردن در خصوص موضوعات بومی و مقتضیات متداول در زندگی شخصی و اجتماعی را کسب کنند.

*there are many Zahaks eating brain of young little by little with new tools and different ways such as mobile, TV and by making them busy with things...*

1. Fatemeh: I think that feeding snakes by human brains not another part of their body, show that the people who don't have brain (thinking, wishes, ...) couldn't do any work against their tyranny because the real power of any people depends on his/her mind (brain).

2. Reyhaneh: I think that Evil spirit wanted to destroy young persons. Because everywhere young persons are changes' agent and destroying young persons in one country is same as destroying country.



## بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی ♦ ۱۳۳

در نظرسنجی‌های انجام شده در پایان هر ترم نیز بسیاری از دانشجویان بیان می‌کردند که آشنایی‌ات و حس قرابت با این متون باعث می‌شد که غربت، دلسردی و دلزدگی کمتری احساس کرده، برای استفاده از زبان انگلیسی برای شرکت در بحثها بیشتر راغب شوند و با اعتماد به نفس و ترس کمتری به ارائه نظرات خود پردازند. در ادامه، برخی از این نظرات آورده شده است:

«فریما: این متنها واقعاً کمک به یادگیری می‌کرد؛ زیرا ما قبلاً این شعرها و آثار را خوانده بودیم و بعد ترجمه آن به انگلیسی روان به یادگیری کمک زیاد می‌کرد، حداقل در مورد من. چون ممکنه احساس غریبی با متنی که می‌خوانی نداشته باشی. شخصاً حس نزدیکی و علاقه‌مندی نسبت به این متون داشتم و برایم جذاب بود. من که واقعاً کلاس زبان را اینطور پراز بحث و حرف زدن دوست دارم و این متنها چون جای بحث زیاد داشت خیلی خوب بود.»

«زهرا: در بیشتر کلاسهای زبان، متونی که ترجمه می‌شود مربوط به کشورهای دیگر و آداب و رسوم و زندگی خارجیان است و اصلاً جذاب نیست. این متون خیلی عالی بود. امیدوارم در همه کلاسها و دوره‌های زبان فقط توجه به گرامر و قواعد زبان و ترجمه و یادگیری لغات نشه و کمی هم توجه به درک و فهم زبان آموزان بشه. من در این ترم نسبت به متون و آثار بزرگانی مانند مولانا علاقه‌مند شدم. به همین خاطر موضوع زندگی‌نامه مولانا را برای کنفرانسم انتخاب کردم. همه جلسات خوب بود و کلی چیز به غیر از درس یاد می‌گرفتیم.»

«سایه: در کلاسهای دیگر بیشتر متونی که مطالعه کرده بودیم داستانهایی مربوط به همان کشورهای خارجی بود. این متون برای یادگیری زبان انگلیسی بسیار مؤثر هستند. اول به علت موضوعات بسیار شیرین و جذاب آنها و نکات اخلاقی که در آنها وجود دارد و دوم به علت تسلط نسبی بر این موضوعات... خواندن این مطالب باعث می‌شود که حتی ضعیف‌ترین بچه‌ها سعی کنن چند کلمه‌ای حرف بزنند.»

«مریم: اولین بار بود که ترجمه آثار این بزرگان را می‌خوندم. خیلی هم جالب بود ولی چون اکثراً با این داستانها آشنا بودیم، فکر می‌کنم زیاد توجه نمی‌کردیم که اصطلاحاتش رو و کلماتش را درست متوجه می‌شویم یا خیر. ولی در کل خوب بود...»

«هانیه: به نظر من کار جالبی بود که متون بزرگان ادب به زبان انگلیسی در کلاس ارائه شود و با توجه به نکات خوبی که در بیان آنها بود، بر آموخته‌های دانشجویان می‌افزود. فکر کنم اعتماد به نفس در حرف زدن به زبان انگلیسی در مقابل بچه‌ها افزایش یافته، البته نه زیاد که این اشتباهی بود که خودم انجام دادم.»

#### ۴. خلق زبان انگلیسی آمیخته با هنر و خلاقیت

در مقطعی از پژوهش و به منظور مشارکت بیشتر دانشجویان، از آنان درخواست شد تا خود به ارائه و نقد و تفسیر متون پردازند. این واگذاری مسئولیت به دانشجویان، اغلب با ارائه‌های هنرمندانه و خلاقانه آنان و استفاده از تصاویر و موسیقی متن همراه می‌شد. در یکی از این ارائه‌ها، جمعی از دانشجویان داستان کاوه آهنگر و ضحاک را به وسیله پاورپوینت ارائه کردند. هر اسلاید شامل متن و عکسهایی مرتبط با وقایع و صحنه‌های مختلف داستان بود که توسط یکی از دانشجویان به زبان انگلیسی ارائه می‌شد. موسیقی متن نیز برای قسمتهای مختلف داستان در نظر گرفته شده بود که متناسب با حال و هوای وقایع مختلف دارای ریتمی آرام، غم‌انگیز یا شاد بود. در انتهای هر بخش، یکی دیگر از دانشجویان ابیات فارسی مستخرج شده از شاهنامه را دکلمه می‌کرد. در پایان، دانشجویان به نظرخواهی از سایر دانشجویان و ارائه نظرات و تفاسیر خود به زبان انگلیسی پرداختند. در ذیل، تعدادی از این اسلایدها آورده شده است:

<p>After his father's death, Zohak became the ruler. The Evil Spirit once again appeared to him as a marvelous, skillful cook and made delicious meals for him. Zohak asked the Evil Spirit what he wants as his prize for the wonderful meals he had prepared. The Evil Spirit just asked Zohak to kiss his shoulders.</p> <p>ر هر گونست از مرغ و از جارباف خورشنگر بناورد یک یک به جان</p> 	<p>After he kissed Zohak's shoulders, he disappeared. But suddenly two vicious black snakes grew from Zohak's shoulders. Zohak was terrified and didn't know what to do with the snakes. He desired that the snakes should be cut off from the root. But as often as the snakes were cut down they grew again.</p> <p>بپوسته و شد بر زمین ناپدید کس اندرجهان این شگفتی ندید دو مار سه از دو گنجش برست عمی گشت و از هر سوی چاره جست</p> 
<p>The Evil Spirit once again appeared to him as a doctor. He told Zohak that the only way to control the snakes is to feed them human brain every day; otherwise the snakes would eat Zohak himself.</p> <p>به جر مهر مردود عده بنده خورش نگر خود بهمیرد این برورش</p> 	<p>Zohak's tyranny lasted for many years until one day he saw a horrible dream. He dreamed of a young boy coming towards him holding a stick in his hands and with it the young man struck him to the ground.</p> <p>دو صهر بگی کهر اندر صاب به بالای سر و به فر گبان دهان پیش ضحاک رفتی به جنگ نهادی به گردن برش بالهنگ</p> 

بخشی از اسلایدهای درست شده توسط دانشجویان برای داستان کاوه آهنگر و ضحاک ارائه‌های خلاقانه‌ای از این دست، بار دیگر یادآوری می‌کند که دانشجویان، خود منابع ارزشمندی از تفکر، استعداد، بینش و خلاقیتند و با زمینه‌سازی مناسب، قابل شکوفایی و پرورش

## بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی ♦ ۱۳۵

می‌باشند. خود دانشجویان نیز این گونه فعالیت‌های زبانی گروهی را مثر ثمر ارزیابی کردند. در ذیل بخشی از این نظرات آورده شده است:

«محدثه:...از آنجایی که زبان انگلیسی می‌تواند برای عده‌ای خشک و ناخوشایند باشد، با داستان می‌توان از خشکی آن کم کرد. من به شخصه خیلی خوشم می‌آمد. جلسه‌ای که به اتفاق دوستانم یکی از داستانها را به صورت نمایشنامه درآوردیم جالب و سرگرم کننده بود.

«زهرا: به نظرم کلاس خیلی خوب بود و استاد محور نبود و دانشجو را وادار به فعالیت می‌کرد. کار گروهی باعث می‌شود تفکر کنیم و بهتر فکر کنیم و نظرهای بهتری بدهیم....

«ساناز: کلاس بسیار خلاقانه و جالبی در طول ترم داشتیم و اصلاً خسته کننده نبود. فرهنگ خودمون رو به زبان دیگر خوندن لذت بخش بود. کلاس بسیار متفاوتی بود و در ضمن مفید. در طول هشت سال زبان خواندن هیچ وقت چنین کاری را در مدرسه و نه در آموزشگاه تجربه نکردم».

### ح) بحث و نتیجه‌گیری

متأسفانه یکی از حلقه‌های مفقوده در محتوای متون آموزشی زبان انگلیسی، متون ادبی است. در موارد محدودی که ادبیات در برنامه‌های درسی گنجانده می‌شود، این امر به انتخاب داستانها یا اشعار خلق شده توسط بومی‌زبانان محدود می‌شود. اگر مقرر است زبان انگلیسی به عنوان زبان بین‌المللی و نه زبان اختصاصی چند کشور محدود انگلیسی‌زبان در دنیا مطرح شود، می‌بایست گستره ادبیات فراتری را به کار گیرد تا سایر کشورها نیز سهمی در ارائه آثار ادبی کهن و معاصر خود به منظور تعمیق و آشناسازی نسل‌های حاضر و آتی با فرهنگ بومی داشته باشند. از بازنویسی متون درسی با محتوای ایرانی - اسلامی و ارائه آنها در کلاسهای درس چنین نتیجه گرفته شد که متون ادبی فارسی به دلیل برخورداری از محتوای غنی معنوی و اخلاقی، زمینه مناسبی برای انعکاس مفاهیم اخلاقی منطبق با ارزشهای بومی و اسلامی فراهم کردند. این بن‌مایه‌های معنوی و عرفانی زمینه‌ای را برای تفکر پیرامون ارتباط خود با خود، ارتباط با خداوند و ارتباط با دیگران و سایر مخلوقات، هدف از آفرینش و توجه به نفس، بازنگری و واکاوی رفتارهای روزمره فردی و اجتماعی و مفاهیم عرفانی و معرفتی ایجاد کردند. در مواجهه با این مفاهیم، دانشجویان نیز تلاش می‌کردند با بهره‌گیری از دانسته‌های زبان انگلیسی خود و استفاده از اصطلاحات و عبارات موجود در این متون، به ابراز اندیشه‌ها و جهان‌بینی، باورها و اعتقادات خود بپردازند که این امر، رفته‌رفته

موجبات خلق زبانی آمیخته با معنویت و معرفت را ایجاد کرد. این در حالی است که در کلاسهای زبان انگلیسی، اغلب فضایی برای این گونه زبان معنوی و معرفتی فراهم نمی‌شود.

از سویی دیگر، عمده تلاشهای صورت گرفته بر آن بود تا فضایی مناسب برای مباحثه و تفکر نقّادانه ایجاد شود. به این منظور، در خواندن این داستانها دانشجویان ترغیب می‌شدند تا در خصوص معانی پنهان و مفاهیم نهفته آنها به بحث پردازند؛ فراتر از متن بنگرند و خواندن بین سطور و ماورای سطور را تجربه و لایه‌های نهفته معانی را در آنها جستجو کنند. ارتباط و ادغام مفاهیم موجود در متون با زندگی کنونی و ارتباط تجارب شخصی خود به داستانها، شخصیتها و وقایع، زمینه را برای خلق زبانی «آشنا» و آمیخته با زندگی حال فراهم کرد. این رویکرد همدلانه به فهم بیشتر پیامها و بالا رفتن مشارکت در کلاس کمک می‌کرد. در نظرسنجی‌های انجام شده در پایان هر ترم نیز بسیاری از دانشجویان بیان می‌کردند که به دلیل احساس قرابت و نزدیکی بیشتر با خالقان این متون، غربت زبانی کمتری احساس و برای استفاده از زبان انگلیسی برای شرکت در بحثها بیشتر راغب شده، با اعتماد به نفس بیشتر و ترس کمتری به ارائه نظرات خود می‌پرداختند.

در گامی دیگر، دانشجویان با هنر و خلاقیت خود به بازتولید مفاهیم منبعث از داستانهای خودی پرداختند. به اذعان دانشجویان، این نوع خوانش متون ادبی که در آن سطح بالاتری از استنباط و تحلیل و تفکر و هنر و خلاقیت درگیر می‌شود، با روشهای متداول خوانش که به دریافت سطحی اطلاعات و درک مطلب محدود می‌شود یا با هدف روانخوانی و افزایش دایره واژگان و پاسخگویی به سؤالات متن محور صورت می‌گیرد، متفاوت و مؤثرتر بود. این امر به نوبه خود مؤید این اصل است که دانشجویان، خود منابع ارزشمندی از تفکر، استعداد، بینش و خلاقیتند و با زمینه‌سازی مناسب این قابلیتها قابل شکوفایی و پرورش می‌باشند.

بدین ترتیب، پژوهش انجام شده تلاش دارد الگویی عملی برای ساماندهی متون آموزشی انگلیسی با محتوای ایرانی اسلامی ارائه دهد. امید آنکه برنامه‌های درسی و تربیتی از این دست، بستر مناسبی را برای تقویت و پایداری هویت ملی با تأکید بر تعمیق باورها و ارزشهای اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزشهای انقلاب اسلامی، میهن‌دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی انسانی-اسلامی فراهم آورد.

### محدودیت های پژوهش

این پژوهش- به عنوان پژوهشی میان‌رشته‌ای- مستلزم آن بود که مدرّس زبان انگلیسی در گام نخست، خود را با ادبیات فارسی و آثار ادبی انتخابی آشنا کند. با وجود همه تلاشهای انجام

## ۱۳۷ **◆** بررسی تأثیر قصه‌های بومی ایرانی - اسلامی در محتوای درسی زبان انگلیسی

شده، عدم آشنایی با این فضا و تسلط علمی، گاه مشکلاتی را برای وی در برداشت عمیق مفاهیم و ترجمه و ارائه آنان در کلاسهای زبان انگلیسی ایجاد می‌کرد. گذشته از این، کمبود یا نبود ترجمه‌های انگلیسی مناسب از متون ادبی کلاسیک برای استفاده در کلاسهای زبان انگلیسی، سد بزرگی را ایجاد می‌کرد و در برخی از موارد انتخاب داستانها را محدود می‌نمود. بی‌شک این امر نیازمند تلاش جدی مترجمان و طراحان برنامه‌های درسی برای خلق و بازسازی این گونه متون ادبی برای استفاده بهینه در کلاسهای آموزشی است. گذشته از این، طراحی فعالیتهای زبانی هنرمندانه‌تر و عمیق‌تر و جذاب‌تر بر مبنای متون ادبی که فضای بیشتری را برای رشد خلاقیت و تفکر انتقادی زبان‌آموزان فراهم کند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. به علت محدودیتهای زمانی و امکاناتی، این گونه فعالیتهای در پژوهش انجام شده به صورت محدود و در حد توان صورت گرفت. علاوه بر موارد پیش گفته، تعداد زیاد دانشجویان در کلاسهای زبان عمومی (گاه تا ۵۰ نفر) و نیز ناهمگنی و تفاوت‌های ملموس در توانش زبانی دانشجویان، از جمله مواردی بود که مانع تحقق برخی از ایده‌ها می‌شد.

### **پیشنهادها**

نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدرّسان زبان انگلیسی ایرانی و غیر ایرانی علاقه‌مند به ادغام متون ادبی و به خصوص متون ادبی فارسی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه‌ساز فعالیتهای گسترده‌تر باشد. استفاده از متون ادبی متنوع‌تر خلق شده توسط نویسندگان کلاسیک و معاصر و طراحی مواد آموزشی چند رسانه‌ای، تولید فیلمها و کارتونهای آموزشی، وبسایتها و برنامه‌های رایانه‌ای برگرفته از این متون با هدف ارتقای رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی زبان‌آموزان توصیه می‌شود.

گذشته از این، در برنامه‌های آموزشی تربیت مدرس زبان، تلاشهای بیشتری برای پرورش و ارتقای صلاحیتهای اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی معلمان می‌بایست صورت گیرد. معلمان ایرانی زبان انگلیسی برای انتخاب و استفاده از متون بومی مبتنی بر ارزشها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی - ایرانی و خلق و ایجاد آنان می‌بایست هدایت شده و آموزش ببینند. لازم است این متون با فعالیتهای زبانی نشاط‌آفرین، پویا و مشارکت‌پذیر همراه شده، با نیازهای زبان‌آموزان، سن، علائق، نیازهای عاطفی و معنوی، ویژگی‌های روان‌شناختی و اهداف آنها هماهنگی داشته باشند؛ چرا که استفاده از متون غیر جذاب، خسته‌کننده و غیر منسجم یا غیر هدفمند و کمبود فعالیتهای متنوع می‌تواند نتایج غیر مطلوب داشته باشد.

در سالهای اخیر، زمره‌هایی برای بومی‌سازی علوم به طور عام و بومی‌سازی آموزش زبان انگلیسی به صورت خاص به گوش می‌خورد. نتایج این پژوهش - به عنوان یک تجربه موفق با رویکردی نوآورانه - می‌تواند توسط دست‌اندرکاران در تهیه و تدوین متون درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش با اهداف خاص، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی مورد تأمل قرار گیرد.

### سخن آخر

با وجود آنکه سالانه هزینه کلانی صرف تعلیم و تربیت معلمان و مدرّسان و تهیه و تألیف کتب درسی زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاهها و وارد کردن کتابهای تجاری می‌شود، ولی نتایج حاصل هنوز آنچنان رضایت‌بخش نیست. به نظر می‌رسد با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی در ایران، دست‌اندرکاران آموزش زبان هنوز با این چالش مواجهند که چگونه باید با تفاوت‌های بین فرهنگ وارداتی موجود در کتب زبان انگلیسی با ارزشها و هنجارهای جامعه ایرانی و تعلیم و تربیت اسلامی، برخورد کرد؟ بی‌تردید، از آنجا که زبان در برگیرنده ارزشها و جهان‌بینی‌های هر فرهنگی است، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی می‌بایست به سمتی سوق داده شود که زبان انگلیسی همچون زبان فارسی، نه صرفاً به عنوان یک هدف، بلکه به عنوان رسالتی برای درک بیشتر ماهیت و هویت انسانی و خویش‌نمایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. شکاف موجود میان آموزش زبان انگلیسی و فرهنگ، زبان، تاریخ و هویت اسلامی - ایرانی، مستلزم همکاری معلمان و متخصصان آموزش زبان انگلیسی با سایر متخصصان در دیگر رشته‌های هویت‌بخش همچون ادبیات فارسی، تاریخ اسلام و ایران، مردم‌شناسی و غیره است. در عصری که ضرورت ایجاد تحول بنیادین در آموزش و پرورش کشور به دفعات به گوش می‌رسد، کمبود پژوهش‌های میان‌رشته‌ای که هم نمونه عملی از تمرین «استعمارزدایی» در تدریس زبان خارجی باشند و به چگونگی بازنگری موضوعاتی همچون استیلای دانش غربی و انحصارطلبی علمی کمک کنند، کاملاً محسوس است.



### منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹). *فلسفه و ساحت سخن*. تهران: هرمس.
- بحرینی، نسرین (۱۳۹۲). «تحلیل ارزشهای فرهنگی در کتابهای آموزشی». راهبرد فرهنگ، ش ۲۲ (تابستان).
- پیشقدم، رضا (۱۳۸۶). «افزایش تفکر انتقادی از طریق مباحثه ادبی در کلاسهای زبان انگلیسی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ش ۱۵۹.
- صادقی، آرام‌رضا (۱۳۸۷). «مصادیق تهاجم فرهنگی در آموزش زبان انگلیسی». قابل دریافت در: [www.hozehonari.com/GetFile.aspx?id=60652](http://www.hozehonari.com/GetFile.aspx?id=60652).
- عبداللهیان، حمید و آیدا حسینی‌فر (۱۳۹۱). «تحلیلی بر بازنمایی ایدئولوژی و سبک زندگی در کتابهای آموزش زبان ایتروچنج». *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، سال سیزدهم، ش ۲۰: ۶۰-۳۵.
- Adebayo, R.I. (2005). "Islamization of the Curriculum: An Agenda for Model Islamic Nursery Schools in Nigeria". *Muslim Education Quarterly*, Cambridge, UK: Islamic Academy, 22 (3 & 4): 4-17.
- Canagarajah, S. (2005). "Introduction". In S. Canagarajah (Ed.). *Reclaiming the Local in Language Policy and Practice*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Collie, J. & S. Slater (1987). *Literature in the Language Classroom*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ghahremani Ghajar, S. & F. Azizi (2014). *Exploring and Recreating Persian Narrative Texts as Resources for EFL Classes* (Unpublished master's thesis). Tehran: Alzahra University.
- Ghahremani Ghajar, S. & S. Poursaduqi (2013). *A Case Study of the 'Hidden Curriculum' of Prevalent Commercial ELT Coursebooks in Dezful Following the Imposed War* (Unpublished Master's Thesis). Tehran: Alzahra University.
- Gray, J. (2010). "The Branding of English and the Culture of the New Capitalism: Representations of the World of Work in English Language Textbooks". *Applied Linguistics*, 31(5): 714-733.
- Kachru, B.B. (1986). "Non-Native Literature in English as a Resource for English Teaching". In C.J. Brumfit & R.A. Carter (Eds.). *Literature and Language Teaching* (P. 140-149). Oxford: Oxford University Press.
- Kachru, Y. & L. Smith (2008). *Cultures, Contexts, and World Englishes*. London: Routledge.
- Khatib, M.; Sh. Ranjbar & J. Fat'hi (2012). "The Role of Literature in EFL Classroom from an EIL Perspective". *Journal of Academic and Applied Studies*, 2 (2): 12-21.
- Koosha, M.; M.R. Talebeinezhad & S. Taki (2004). "An Analysis of the Ideological Import of Internationally and Locally-Developed ELT Textbooks Widely Used in Iran". *Iranian Journal of Applied Linguistics*, 7: 45-79.

- Mahboob, A. (2009). "English as an Islamic Language: a Case Study of Pakistani English". *World Englishes*, 28 (2):175-189.
- Pennycook, A. (2007). "ELT and Colonialism". In J. Cummins & C. Davison (Eds.). *International Handbook of English Language Teaching* (P. 13-24). New York: Springer.
- Widdowson, H.G. (2003). **Defining Issues in English Language Teaching**. Oxford: Oxford University Press.

